



مجید صیاد نور
دکترای علوم سیاسی

بعد از حدود چهار دهه کبان ایران و ایرانی درگیر جنگ ناخواسته و تحمیلی دیگری شد، طرفه‌ایکه ایرانیان ظرف افزون بر دو قرن گذشته آغازگر هیچ تهاجمی نبوده و عرصه تهاجم کشورهای همسایه یا قدرت‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند. موضوعی که بار دیگر بر اهمیت استراتژی دفاعی خودبسته‌ده جمهوری اسلامی ایران ظرف دهه‌های اخیر صحه می‌گذارد! چرا؟ به این دلیل واضح که ایرانیان در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا تنها بوده، هستند و به تجربه تاریخ چند هزارساله خود، تنها نیز خواهند ماند. این مهم را می‌توان در بررسی اقدامات حمایتی – تسلیحاتی کشورهای غربی و بلوک شرق از تهاجم صدام؛ حمایت کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و سکوت اغلب کشورهای اسلامی در قبال این تهاجم آشکار مشاهده کرد. موضوعی که دولتمردان و استراتژیست‌های ایرانی را به در پیش‌گیری خودکفایی نظامی و طراحی سازوکارهای خودبستگی در راهبردهای نظامی و امنیتی هدایت کرد. تشکیل و راهبری نیروهای نیابتی ایدئولوژیک مبنای ضدشیعی همچون القاعده و داعش طی دو دهه گذشته؛ تداوم ناآمن سازی کشورهای همسایه به منظور سرریز تنش‌های دولت‌های ورشکسته به حوزه امنیتی ایران (بی‌ثباتی دولت در افغانستان و عراق)؛ گسترش منازعات امنیتی کشورهایی چون عربستان در قالب رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک (حوزه یمن) و ترکیه در شاخص‌های قومیتی (تقویت انگیزه‌های پانترکی) و اقتصادی (تکمیل حلقه‌های تحریم کردپوری) و برنامه‌های دو کشور فوق در تقویت گسل‌های قومی – مذهبی مناطق مرزی ایران زمین؛ همزمان با ناکارآمدسازی دولت‌های ایرانی از قیل بین‌المللی سازی نهاد تحریم‌های آمریکایی به عنوان بخش‌های مختلف استراتژی آمریکا و اسرائیل علیه موجودیت جمهوری اسلامی، مردم و کشور ایران در دستور کار قرار گرفته است. فارغ از مبنای ژئوپلیتیک که باتکیه بر موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد ایرانیان طی هزاران سال به صورت تکوینی به بازتولید هویت متفاوت و خودبسته‌ده ایرانیان منجر می‌شود؛ ووجه تمایز قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی – دینی، سابقه تمدنی، استمرار حضور چند هزار ساله در این پهنه جغرافیایی، در کنار بهره‌مندی از ناسیه تاریخ سیاسی مشحون از قدرت و اقتدار حکمرانی بر گستره وسیعی از غرب آسیا طی قرون متصادی، و در معرض تهاجم اقوام و دولتهای همسایه قرار گرفتن که به عدم اعتماد ایرانیان نسبت به همسایگان (دیگری – خارجی) دامن زده؛ مجموع عناصر برساننده هویت خودبسته‌ده ناشی از تنهایی تاریخی ایران و ایرانی در پهنه هارت لند و خاورمیانه را تشکیل می‌دهند. در این میان نکته حائز اهمیت، هویتی اجتماعی است ایست که ظرف حدود دو دهه اخیر به صورت تکوینی میان ایرانیان نضج گرفته، هویتی مبتنی بر غلبه اندیشه‌های بیناد هنی و هویتی ایرانی بر عناصر متشکله هویت اسلامی – شیعی در اضلاع هویتی ایرانیان است. این مهم را می‌توان در افزایش و گسترش علایق ایرانیان به‌المان‌ها، نمادها و تاریخ ایرانی باتکیه بر شاخص‌های ملی گرایانه؛ گسترش گرامیداشت یادمان‌های ملی ایرانی و حتی افزایش تمایل به انتخاب اسامی اصیل ایرانی مشاهده کرد. طرّفه اینکه خودآگاهی مورد بحث، برآمده از افزایش سطح آگاهی و شناخت عمومی، گسترش بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و تلاش ایرانیان برای پاسداشت هویت متحد و متمایز خود در قبال هجومه‌های قومیت‌های همسایه و شرکای داخلی آنها بوده است. از یاد نباید برد حتی در برداشت‌های دینی شیعی نیز نوعی خودمنجی‌پنداری در ارتباط با سایر شیعیان (و مسلمانان) نیز در منابع اندیشه‌ای – هویتی ایرانی نیز قابل رصد بوده؛ امری که در نهاد ولایت فقیه و بر مرجعیت دینی، نظریه‌ما القرائی جهان اسلام بودن، طرّفه سایر برداشت‌های سیاسی از اسلام با تعبیر اسلام ناب محمدی در برابر اسلام آمریکایی، برپایی مراسم‌هایی چون پیاده روی اربعین، افزایش اقبال دولتی و مردمی نسبت به مناسبت‌های متمایزکننده‌ای چون جشن غدیر و نیمه شعبان و به خصوصی ترسیم استراتژی نظام امنیتی – دفاعی از چارچوب حمایت‌های معنوی – هویتی به منظور تشکیل و تقویت نیروهای معارض نظام آمریکایی – صهیونی تحت عنوان محور مقاومت و نیروهای نیابتی و حامی در سطح منطقه قابل استناد است. در همین راستا باید تصریح کرد، اگر در حمله صدام به ایران، ترکیبی از ملی‌گرایی ایرانی با غلظت و تغلب ایدئولوژی اسلام شیعی موجب مقاومت ایرانیان در نبرد فرسایشی هشت ساله شد، در تهاجم وحشیانه و ناخوانمردانه صهیونیست‌ها و آمریکا علیه ایرانیان، هویت ملی ایرانی بیش‌ترین نقش را برای تقویت انسجام ایرانیان داخلی و خارج نشین، ایفاکرده است. بی‌تردید ترکیب همزمان دیپلماسی با میدان در این بزنگاه تاریخی با بازتولید هویت ایرانی اسلامی جدیدی که انسان ایرانی در کنشاکش هویت اجتماعی ناشی از تعامل در بستر جهانی شدن مناسبات انسانی، برای خویشتن خویش و کشور خود بر ساخته؛ می‌تواند به‌گذار از هجمه دولت انتراعی و بدون هویت صهیونیست و تهاجم آمریکا، باری رساند. در یک فراتحلیل جدیدترین عامل اتحاد ایرانیان تهاجم قومی است که ریشه در خاک نداشته، زایش و تداوم حیات آنها نیز حاصل تعاملات دولت‌های غربی و آمریکاست، به عبارتی ایرانیان به‌رغم مشکلات اقتصادی و نامالیامات اجتماعی سال ۱۴۰۱ و اعتراض نسبت به برخی برنامه‌های حکمرانی؛ خواستار حفظ موجودیت و استقلال هویتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود بوده و این مهم را با حربه خودبستگی ناشی از تنهایی در غرب آسیا و باتکیه بر توانمندی‌های کمی – کیفی نیروی انسانی خویش، تأمین می‌کنند. در مسیر تطور فکری – هویتی انسان ایرانی طی چند دهه اخیر بن‌مایه‌های هویت اجتماعی الگوی مقاومت (دولت و مردم مقام)، استکبارستیزی در مقابل دولت‌های غربی – آمریکایی برای کشورهای جهان سوم؛ تلاش برای تئوریزه کردن نظریه‌ما القرائی جهان اسلام بودن ایران؛ اجرای مدل حکمرانی امتزاج دین و حکومت در بستر نظریه حکمرانی دینی؛ در پیشگیری راهبرد خوداتکایی اقتصادی تحت عنوان اقتصاد مقاومتی؛ الگوسازی زندگی در فشار تحریم همه جانبه و در نهایت کسب جایگاه‌های متنوع علمی – فنی یا حتی ورزشی از سوی جوانان ایران زمین؛ مهم‌ترین قطعات تشکیل دهنده هویت انسان ایرانی در سال‌های پایانی قرن چهاردهم و سال‌های نخست قرن پانزدهم را تشکیل می‌دهند.

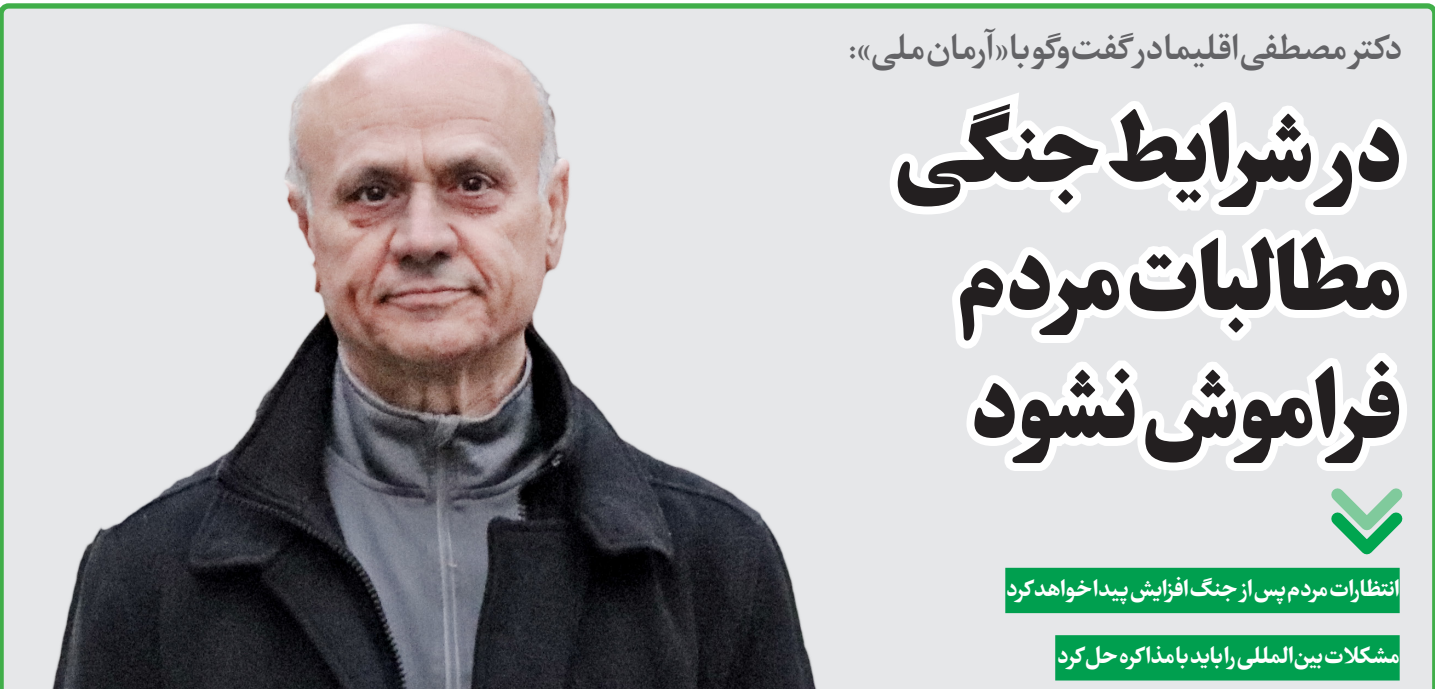
دکتر مصطفی اقلیمادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

در شرایط جنگی مطالبات مردم فراموش نشود



انتظارات مردم پس از جنگ افزایش پیدا خواهد کرد

مشکلات بین‌المللی را باید با مذاکره حل کرد



جنگ وجود ندارد و انتظارات و مطالبات مردم باید در این دوران به نتیجه برسد. این در حالی است که مردم در جنگ خسارت دیده‌اند و مشکلات آنها بیشتر هم شده است. در چنین شرایطی اگر دولت به دنبال حل این مشکلات نباشد شرایط پیچیده و بحرانی خواهد شد. تا زمانی که جنگ وجود داشته باشد مردم انتظاری از دولت ندارند اما زمانی که جنگ به پایان برسد یا توجه به تشدید مشکلات انتظارات مردم چندین برابر خواهد شد و دولت نیز باید پاسخگوی این انتظارات باشد. همبستگی که در شرایط جنگ در جامعه شکل گرفته همبستگی با دولت نیست، بلکه همبستگی مردم با همدیگر است. دولت نباید تفسیر اشتباهی از این همبستگی داشته باشد.»

در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی- احسان انصاری: در شرایطی که آتش بس ایران و اسرائیل در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد آیا تاب‌آوری اجتماعی جامعه ایران در شرایطی است که بتواند برای مدت طولانی در وضعیت جنگی قرار داشته باشد؟ جامعه ایران در شرایط جنگی و دوران پس از جنگ با چه تحولاتی مواجه بوده است؟ همبستگی به وجود آمده بین مردم به چه میزان می‌تواند به حل مشکلات کشور کمک کند و آیا اراده‌ای برای استفاده از این فرصت وجود دارد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با دکتر مصطفی اقلیما آسیب‌شناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است. اقلیمادر این زمینه معتقد است: «به صورت کلی شرایط جنگی با شرایط پس از جنگ متفاوت است و اگر در زمان جنگ مردم سکوت می‌کنند تا جامعه از خطر عبور کند اما این وضعیت در دوران پس از

وضعیت اجتماعی ایران در دوران جنگ با چه تحولاتی مواجه شد و پس از جنگ در چه شرایطی قرار گرفته است؟ مردم ایران در شرایطی که با دشمن خارجی مواجه می‌شوند در مرحله نخست تلاش می‌کنند مشکلات بین خودشان را حل کنند و با هم متحد شوند. در واقع مردم ایران در چنین شرایطی خودشان به دنبال این هستند که مشکلات به وجود آمده را حل کنند. در واقع در چنین شرایطی چشم امید مردم به دولت نیست. در همین مدت نیز شاهد بودیم که کالاهای مورد نیاز مردم گران‌تر شد و برخی نیز از این وضعیت سوء استفاده کردند و کالاهای خود را با قیمت بیشتری به مردم فروختند. در شرایطی که جنگ در آینده ادامه داشته باشد و مشکلات مردم نیز افزایش داشته باشد، مردم تلاش خواهند کرد با مشکلاتی که در مسیر آنها قرار گرفته کنار بیایند. در شرایط عادی مردم ایران مطالبات مشخصی دارند که همواره این مطالبات را به مسئولان منتقل کرده‌اند. اگرچه این مطالبات به نتیجه نرسیده اما مردم در شرایط سخت جنگی به این مطالبات دامن نمی‌زنند و تلاش می‌کنند مشکلات را خودشان حل کنند و پس از جنگ دوباره به مطالبات گذشته و اصلی خود بازگردند. نکته دیگری که در این زمینه وجود داشت این بود که در درگیری اخیر همبستگی و انسجام اجتماعی تقویت شد. در چنین شرایطی کسی که بی‌گراسی و یا با مشکل اقتصادی مواجه است، سکوت می‌کند تا جامعه از این مرحله عبور کند و سپس دغدغه‌های خود را مطرح کند.

شرایط در دوران پس از جنگ به چه صورت خواهد بود؟ مدیران جامعه در این دوران چه باید‌ها و نباید‌هایی را باید در دستور کار خود قرار بدهند؟ به صورت کلی شرایط جنگی با شرایط پس از جنگ متفاوت است و اگر در زمان جنگ مردم سکوت می‌کنند تا جامعه از خطر عبور کند، اما این وضعیت در دوران پس از جنگ وجود ندارد و انتظارات و مطالبات مردم باید در این دوران به نتیجه برسد. این در حالی است که مردم در جنگ خسارت دیده‌اند و مشکلات آنها بیشتر هم شده است. در چنین شرایطی اگر دولت به دنبال حل این مشکلات نباشد شرایط پیچیده‌تر و دشوارتر خواهد شد. تا زمانی که جنگ وجود داشته باشد مردم انتظاری از دولت ندارند اما زمانی که جنگ به پایان برسد یا توجه به تشدید مشکلات انتظار مردم چندین برابر خواهد شد و دولت نیز باید پاسخگوی این انتظارات باشد. همبستگی که در شرایط جنگ در جامعه شکل گرفته همبستگی با دولت نیست و بلکه همبستگی مردم با همدیگر است. دولت نباید تفسیر اشتباهی از این همبستگی داشته باشد.

چرا این همبستگی بین مردم است و نه دولت و مردم؟ واقعیت این است که مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در طول دهه‌های گذشته روی هم انباشته شده و به همین دلیل حل کردن آن کار یک روز و یک هفته و یک ماه نیست. از سوی دیگر اراده پیوسته‌ای برای حل ریشه‌ای مشکلات دیده نشده و تصور عمومی به غلط با درست بر این استوار شده که هر کس به مقامی می‌رسد دنبال منافع فردی خود است. این نگاه معتقد است مدیرانی که

در درگیری اخیر همبستگی و انسجام اجتماعی تقویت شد. در چنین شرایطی کسی که بی‌گراسی و یا با مشکل اقتصادی مواجه است، سکوت می‌کند تا جامعه از این مرحله عبور کند و سپس دغدغه‌های خود را مطرح کند

فراموش می‌کنند اما در زمانی که جنگ به پایان برسد مشکلات و چالش‌های مردم همچنان باقی می‌ماند و مردم در زندگی خود با آن مواجه هستند. نکته این است که مسئولان از مشکلات اصلی مردم خبر دارند. مشکلات اصلی مردم تورم، گرانی و برخی مسائل اجتماعی است. تا زمانی که این مشکلات به صورت اصولی و ریشه‌ای حل نشود مشکلات همچنان پابرجاست و از بین نخواهد رفت. البته من معتقدم دیگر جنگی صورت نخواهد گرفت. در چنین شرایطی دولت باید مشکلات بین‌المللی خود را حل کند تا مردم آسیب بینند. شاید زمان آن رسیده باشد که در برخی برنامه‌ها، سیاست‌ها و حتی شعارها بازنگری صورت گیرد. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که باید حساب کرد که اگر آرامش مردم به واسطه جنگ از بین برود، در مقابل چه چیزی نصیب مردم می‌شود؟ آیا مردم از این جنگ سودی خواهند برد؟ پاسخ به سوال‌هایی از این دست، می‌تواند راهگشا باشد و در عین حال می‌توان گفت عموم مردم از جنگ سود نمی‌برند، بلکه در ساحت‌های مختلف متضرر هم می‌شوند.

در شرایطی که آتش بس ایران و اسرائیل در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد آیا تاب‌آوری اجتماعی جامعه ایران در شرایطی است که بتواند برای مدت طولانی در وضعیت جنگی قرار داشته باشد؟

تاب‌آوری جامعه ایران در شرایطی که با دشمن خارجی مواجه می‌شوند خوب است اما مطالبات و دغدغه‌ها باقی خواهد ماند. مهم این است که مسئولان در دوران پس از جنگ به چه میزان به این دغدغه‌ها و مطالبات توجه می‌کنند. نکته این است که مسئولان باید با دقت تحولات جامعه را رصد کرده و بر اساس داده‌های اجتماعی تصمیم‌گیری کنند. نکته مهم‌تر این است که برخی مسئولان حاضر نیستند اشتباه خود را بپذیرند و همچنان به مسیر اشتباهی که در پیش گرفته‌اند ادامه می‌دهند. در موضوعات اقتصادی و معیشتی برخی گمان می‌کنند با دادن یارانه و کالابریک و چنین مسائلی مشکلات اقتصادی مردم حل می‌شود. اما چنین نیست و مشکلات اقتصادی مردم عمیق‌تر می‌پیچیده‌تر از آن چیزی است که این دست مسئولان تصور می‌کنند. با توجه به شرایط بین‌المللی احتمال جنگ کم است اما این احتمال وجود دارد. با این وجود اگر جنگی هم رخ بدهد این جنگ شکل محدودی خواهد داشت. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که آنچه باعث اتفاقات ناخوشایندی برای کشور خواهد شد اتفاقاتی است که ممکن است در داخل جامعه رخ بدهد. انفجار اجتماعی و سیاسی بر علیه اعتقادات و مبانی دینی نخواهد بود و کسانی که چنین تصویری دارند اشتباه می‌کنند. اما کسی نمی‌تواند نافی و منکر نارضایتی مردم از برخی عملکردها باشد. اگر مردم نسبت به برخی موارد اعتراض کنند که حق طبیعی آنهاست، به این معنا نیست که علیه دین اعتراض دارند؛ همه مردم ایران مسلمان و معتقد هستند. با این وجود اگر مردم نسبت به سوء مدیریت‌ها و از دست دادن فرصت‌ها اعتراض داشته باشند، این اعتراض نسبت به کسانی است که در به وجود آوردن وضعیت دشوار نقش داشته‌اند و همین وظیفه مسئولان راستگین می‌کنند.

مذاکرات احتمالی آتی تأثیر بگذارد. در تحلیل ترامپ از انجام این تهدیدات، احتمال تشکیل یک لوبی جرگه متحد ایرانی تقریباً نزدیک به صفر است و همین موضوع، امکان انجام یک اقدام ضد تحلیل غافلگیرانه را به جمهوری اسلامی می‌دهد تا با تشکیل لوبی جرگه ایرانی مهم‌ترین سلاح دفاع ملی خود را در مقابل دسیسه صهیونی و تهدیدات آمریکایی، رو کند. البته که تحقق این پیشنهاد به هیچ عنوان کار ساده‌ای نیست و یقیناً در داخل هم مخالفان زیادی خواهد داشت. البته شاید اگر «هاشمی» زنده بود نیاز به این اقدام نبود و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌توانست این وظیفه تاریخی را در همراهی رهبری ایفا کند. پس فقط می‌ماند شخص رئیس‌جمهور پزشک‌شان که می‌تواند به عنوان مقام اجرایی کشور و رئیس شورای عالی امنیت ملی، از تمام بزرگان سیاسی و قومی کشور برای نمایش دفاع ملی از ایران و همراهی حداکثری با نظام برای اخذ تصمیمات تاریخی، برای حضور در لوبی جرگه ایرانی دعوت کند و برگ دیگری از شعار وفای ملی خود را اینبار به صحنه دفاع ملی بیاورد. اتفاقی که اگر انجام شود یقیناً مهم‌ترین سلاح جمهوری اسلامی در مقابل دسیسه صهیونی و تهدیدات آمریکایی‌ها در آینده خواهد بود.

پشت پرده سکوت پکن در جنگ ایران و اسرائیل

اتحاد ایران و چین ترک برداشته؟

جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل که آمریکا هم در آن دخالت مستقیم داشت، خاورمیانه را در آستانه بحرانی تازه قرار داد و انتظار می‌رفت که چین و روسیه به عنوان شرکای راهبردی تهران، واکنش شدید و حمایتی نسبت به آن نشان دهند، اما چنین نکردند و مواضع توأم محتاطانه آنها مورد توجه جهان قرار گرفت. تحلیل رسانه‌ها این بود که این سکوت و احتیاط دیپلماتیک خطری برای ائتلاف‌های ضدآمریکایی است. ائتلافیک مدعی شد؛ اما رویدادهای اخیر در ایران نشان داد که ضدآمریکایی بودن فقط تا حدی می‌تواند یک ائتلاف را کنار هم نگه دارد. در این سبب آمریکا در ماه جاری ایران را هدف قرار دادند، واکنش چین و روسیه به طرز شگفت‌انگیزی ملایم بود. سال‌هاست که دشمنی مشترک با آمریکا باعث نزدیکی ایران، چین و روسیه شده است. هر سه کشور از تحقیر غرب در اوکراین و خاورمیانه و گسترش شکاف میان واشنگتن و اروپا سود می‌برند. بنابراین، پس از حمله نخست اسرائیل در ۱۳ ژوئن، انتظار می‌رفت چین قوی‌ترین شریک در این سه‌گانه ضدآمریکایی، به سرعت موشک‌های برد کوتاه و تجهیزات پدافند هوایی به ایران بفرستد. بی‌تردید، پکن باید از قدرت دیپلماتیک روبه رشد خود استفاده می‌کرد تا اسرائیل و آمریکا را منزوی کند، جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل را خواستار شود و قطعنامه‌ای در محکومیت دو دولتی که به متحد چین حمله کرده‌اند ارائه دهد، اما رویدادهای اخیر در ایران نشان داد که ضدآمریکایی بودن فقط تا حدی می‌تواند یک ائتلاف را کنار هم نگه دارد.

اقتصاد و ایدئولوژی

چین پس از محکوم‌کردن نمادین حمله اسرائیل به عنوان «گستاخانه» و «تفص حاکمیت ایران»، با احتیاط پیش‌رفت و بر لزوم دیپلماسی تأکید کرد، نه افزایش سرزنش‌ها. وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، در تماس با همتای اسرائیلی خود در ۱۴ ژوئن، از محکوم‌کردن صریح حمله‌های اسرائیل خودداری کرد و شی چین‌بگ، رئیس‌جمهور چین، چهار روز صبر کرد تا خواستار «کاهش تنش» شود و اعلام کند که «چین آماده همکاری با همه طرف‌ها برای ایفای نقش سازنده در بازگرداندن صلح و ثبات به خاورمیانه است.» پس از رای مجلس ایران به بستن تنگه هرمز، سخنگوی وزارت خارجه چین در چیزی که به نظر همدار به ایران می‌رسید تأکید کرد که خلیج فارس یک مسیر تجاری حیاتی برای کالاهای انرژی در جهان است و از همه شرکا خواست تا «مانع از تأثیرگذاری بیشتر تنش‌های منطقه‌ای بر رشد اقتصادی جهانی شوند.» در زمان‌های آرام‌تر، چین هماهنگ‌روسیه با خوشحالی از ایران به عنوان ابزاری برای ضربه زدن به آمریکا و متحدانش استفاده می‌کند؛ اما هنگامی که تنش‌ها به دیگری نظامی و تهدیدی برای ثبات جهانی تبدیل می‌شود، پشتیبانی از ایران برای پکن سرمایه‌گذاری معقولی به نظر نمی‌رسد، دستکم در مقایسه با حفظ روابط اقتصادی و دیپلماتیک با غرب. چین شریان حیاتی اقتصاد ایران محسوب می‌شود. حدود ۹۰ درصد نفت ایران را می‌خرد و مواد و فناوری‌هایی را تأمین می‌کند که برای توسعه تسلیحات ایران حیاتی‌اند. با این حال، این رابطه تجاری برای چین چندان مهم نیست، چراکه تنها حدود ۱۰ درصد نفت خود را از ایران تأمین می‌کند. افزون بر این، اقتصاد چین بیش از ۴۰ برابر اقتصاد ایران است و چین تجارت بسیار بیشتری با آمریکا و اتحادیه اروپا دارد.

اختلاف در جهان بینی

از زمان جنگ جهانی دوم، رهبران دموکراسی‌های غربی توانسته‌اند تا حدی به دلیل داشتن جهان بینی مشترک با یکدیگر همکاری موافقی داشته باشند. این که آیا دین سالاران اسلامی ایران می‌توانند همان احساس نزدیکی را با شی چین بیفزایند، رهبر کشوری رسماً بی‌خدا، یا با پوتین که خود را حامی ارتدوکسی مسیحی می‌داند، تجربه کنند یا نه، پرسشی کاملاً متفاوت است. واکنش پکن به وضعیت ایران باید به غرب اندکی خوش‌بینی محتاطانه بدهد. اگر دونالد ترامپ بالاخره فرق میان مهاجم و قربانی را درک کند یا دست‌کم بفهمد که پوتین او را بازی داده، رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند با جدیت بیشتری از اوکراین حمایت کند، بی‌آنکه چندان نگران افزایش حمایت چین از روسیه باشد. تا زمانی که ایران و روسیه نفت ارزان تأمین کنند و به تقابل با غرب و متحدانش ادامه دهند، در راستای منافع چین عمل می‌کنند. اما دست‌کم در حال حاضر، بعید به نظر می‌رسد که پکن از هیچ یک از این شرکای به ظاهر راهبردی حمایت کند. اگر منافع چین در ثبات یا روابط گسترده و سودآورش با غرب به خطر بیفتد.

لوبی جرگه ایرانی علیه دسیسه صهیونی

مشارکت پر هزینه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، راهی جز عبور مقطعی از واقع‌گرایی تهاجمی خود در طرح مذاکره با ایران نداشت و به نوعی مجبور شد به «تهدید رهبری جمهوری اسلامی» روی بیاورد که این اقدام گور، نه تنها نتیجه لازم را برایش در داخل کشور به ارمغان نیاورد، بلکه دو ضرر جدی خارجی هم برایش بجا گذاشت. ضرر اول این بود که ترامپ با این اقدام به نوعی سربلای شکست سیاسی صهیونیست‌ها در جنگ با ایران شد و ضرر دوم هم احتمال انجام توافق احتمالی خودش با ایران را – که قریب ۳۰ روز قبل در آستانه رسیدن به آن بود – کاملاً کاهش داد.

۵- با تمام این توضیحات، در چنین شرایطی ما باید در مقابل تهدید ترامپ علیه بالاترین مقام کشورمان آنهم در فضای مذاکره – جنگ چه کنیم؟ پیشنهاد نگارنده این است که در مقابل شخصیت ضد تحلیل ترامپ که امکان هر نوع پیش‌بینی راز، رفتارها و اقدامات او سلب کرده است، ما نیز باید به اقدامات ضد تحلیل روی بیاوریم. من قبلاً در یادداشت «دیپلماسی بدون دیپلمات» توضیح دادم که ترامپ فقط دنبال مذاکره با شخص رهبری است و بر همین مبنای تهدیدات امروز خود را متوجه ایشان کرده است – تا به زعم خود- بتواند بر روند

... حتی اختلافات قومی و مذهبی در کشور در پی تجاوز سنگین نظامی بود که خوشبختانه نه تنها اینگونه نشد، بلکه به طرز بی‌سابقه‌ای موجب شد، جریان‌ها و کسانی به صف دفاع از کیان ایران بپیوندند که تا همین یک ماه قبل در صف اول منتقدان جمهوری اسلامی بودند.

۳- اتحاد بی‌سابقه ایرانیان در دفاع ملی ۱۲ روزه، تحلیل اصلی دسیسه صهیونی را با یک «ضد تحلیل» کاملاً غیرقابل پیش‌بینی روبه‌رو کرد و آنها را در آستانه یک شکست سیاسی بزرگ در جنگ با ایران قرار داد. شکستی که می‌توانست فراتر از خرابی‌های موشک باران تل آویو، اساس سیاسی حمله نظامی صهیونیست‌ها و سیاست خارجی ترامپ را یکجا ویران کند. درباره سرنوشت نتانیاهو که همه چیز مشخص است ولی اگر ترامپ به خاطر همین شکست سیاسی، موفق به توافق با جمهوری اسلامی نشود، باید منتظر دومینوبی از شکست‌های سیاست خارجی خود در خاورمیانه و قفقاز باشد که به مرگ تدریجی هرمونی شخصی او در جهان منتهی خواهد شد.

۴- ترامپ برای عبور از این شکست سیاسی آنهم پس از